



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۳/۰۹

جليل غنی هروی

ضرورت پیشگیری از بحران در افغانستان

افغانستان برای نخستین بار در تاریخ خود شاهد رویداد نا گوار تاریخی است که نه تنها حاکمیت ملی، ثبات سیاسی و منافع ملی را تهدید میکند، بلکه تمامیت ارضی افغانستان متحد را نیز زیر سوال می برد. مردم افغانستان و جهان روز دو شنبه نهم مارچ ۲۰۲۰ گواه مراسم تحلیف دو رئیس جمهور در فاصله چند دقیقه و در چند قدمی یکدیگر، پشت دیوار یکدیگر بودند. در یک طرف دیوار داکتر اشرف غنی که کمیسیون انتخابات او را برنده انتخابات تقریباً شش ماه قبل دانست در حضور جمع غفیری از مردم، مهمانان داخلی و خارجی، به حیث رئیس جمهور با حضور قاضی القضاة حلف وفاداری یاد کرد و در آنطرف دیگر ارگ ریاست جمهوری در قصر سپید دار، داکتر عبد الله عبد الله که نتیجه اعلام شده از جانب کمیسیون انتخابات را نپذیرفت، خود را رئیس جمهور منتخب اعلام نمود و در جمع غفیر دیگری بدون حضور نمایندگان خارجی و یا سفرا و نمایندگان امریکا و پیمان ناتو، شرکای استراتژیک افغانستان، سوگند وفا داری یاد نمود. این رویداد نا گوار در تاریخ معاصر به حیث یک لکه سیاه ثبت خواهد شد.

افغانستان در حال حاضر دو رئیس جمهور دارد که در تاریخ این کشور و شاید هم در تاریخ جهان اگر بی نظیر نباشد و تا کنون هیچ کشوری شاهد چنین رویداد رسمی نبوده باشد، کم نظیر هست. در بعضی کشور ها گروه های شورشی و یا مخالف حکومت بر سر اقتدار اعلام حکومت می نمایند که در افغانستان هم سابقه دارد و مثال نزدیک آن حکومت جلای وطن تنظیم های مقیم پاکستان در جریان جنگ در برابر قوای اتحاد شوروی سابقه و تا پایان حکومت نجیب، که از حمایت روسیه آن زمان بر خور دار بود، میباشد. اما هیچ گاهی دو دولت موازی در عین روز و به فاصله چند قدمی از یک دیگر در هیچ کشوری تحت هیچ عنوانی اظهار وجود نکرده است. ولی در گذشته های دور در دو نقطه دور از هم اعلان پادشاهی شده است که بهترین نمونه ای آن اعلان سلطنت از طرف سردار نصرالله خان برادر امان الله خان بعد از شهادت پدر شان امیرس حبیب الله خان و اعلان سلطنت امان الله خان در کابل میباشد که بعد از سه روز سردار نصرالله خان برادر بزرگتر امان الله خان به نفع او انصراف نمود.

این که چرا افغانستان و انتخابات افغانستان این کشور را پس از چهل سال جنگ و هجده سال تجربه دموکراسی و سه انتخابات ریاست جمهوری به این مصیبت رسانید بحثی است جداگانه که در فرصت مناسب به آن پرداخته خواهد شد و شاید هم تحلیل گران مجرب و نویسندگان دیگر آنرا به بر رسی بگیرند. عواقب ظهور دو رئیس جمهور و دو دولت موازی یک دیگر، با در نظر داشت بافت اجتماعی و ترکیب قومی و لسانی و مذهبی جامعه افغانستان که قرن ها برادرانه پهلوی هم زیسته اند، صرفنظر از تلاشهای تخریب کننده که تعدادی مذبحخانه نقاضت های متنوع را در افغانستان واحد دامن زده اند، نگران کننده است و مردم افغانستان پس از این همه قتل و خون ریزی و بی ثباتی و بی سر نوشتی تحمل یک دوره دیگر جنگ های خیابانی و برادر کشی را ندارند که خدای نخواستہ پی آمد نهائی این رویداد نباشد.

ده درویش در گلیمی به خسبند و دو سلطان در اقلیمی نگنجند (سعدی)

افغانستان در درازنای تاریخ پر فراز و نشیب خود، مراحل دشواری را سپری کرده که سلامت این کشور و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی آن با خطرات مشابه مواجه بوده است. در هر برهه از چنین اوضاعی، بودند وطن دوستان و بزرگان قومی و پیشتازانی که برای رفع چنین خطراتی با مذاکره و مشاوره با نخبگان، رهبران اقوام و نژاد ها، علما و دانشمندان در جست و جوی راه حلی به تدویر جرگه های ملی اقدام کردند. که بعداً نام لویه جرگه از جانب شاه امان الله برای اولین بار در سال ۱۳۰۱ هجری خورشیدی مطابق ۱۹۲۲ میلادی برای این جرگه های ملی به کار برده شد. درین جرگه نمایندگان مردم اولین قانون اساسی افغانستان را به نام « نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان » تصویب نمودند.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

بی‌مناسبت نیست نظر مختصری داشته باشیم به جرگه‌های ملی که در طول تاریخ افغانستان دایر گردیده است: لویه جرگه که نام آن از کلمات خالص و سچه پشتو (لویه) و دری (جرگه) ترکیب گردیده و نمادی از تمام مردم افغانستان است، به حیث با اعتبارترین مرجع تصمیم‌گیری در زندگی مردم افغانستان نقش داشته است و در مواردی خاص و اضطراری به ابتکار بزرگان قوم و نمایندگان تبارهای مختلف، دایر گردیده است. لویه جرگه اساساً از عنعنۀ قومی برای مشوره در شرایط خاص برای رسیدگی و حل و فصل موضوعات عمده و مبرم و سرنوشت‌ساز، که حیات سیاسی و اجتماعی و یا هم‌تمامیت ارضی و حاکمیت ملی مواجه به خطر بوده، دایر گردیده است. این جرگه بیشتر در زمانی دایر شده است که دولت‌ها در مراحل ابتدائی زندگی و بدون نهادهایی به نمایندگی از مردم عامه، مثل پارلمان‌ها و یا شورا‌های قومی و مردمی بوده و دولت‌ها برای نظر خواهی و یا مشوره در مسایل مبرم سرنوشت‌ساز نمایندگانی را از نقاط مختلف تحت سلطۀ شان دعوت و با آنها مشوره می‌نمودند و یا هم در حالاتی که اختلافات در دستگاه حاکمه به حدی می‌رسید که دیگر حضور دولت به حیث یک مرجع اداره‌کننده مورد سوال قرار می‌گرفت، دایر شدن چنین جرگه تقاضا می‌شد. در چنان دورانی نه قانون و مقرراتی وجود داشته نه هم مرجع قانون‌گذار و یا تطبیق‌کننده قانون، بلکه پادشاه یا امیر و یا هم حاکم منطقه، هم قانون بوده است و هم تطبیق‌کننده قانون، یعنی دولت مطلقه با حاکمیت مطلقه و یا شخصی که زمام امور را به دست داشته است. ولی آیا حالا اوضاع در افغانستان در چنان مرحله و خیم و خطر کلی نابودی و یا سقوط قرار گرفته که لزوماً باید لویه جرگه دایر گردد؟ به بینیم قانون اساسی افغانستان چه احکامی برای تدویر لویه جرگه دارد:

ماده ۱۱۰: لویه جرگه عالی‌ترین مظهر اراده مردم افغانستان می‌باشد.

لویه جرگه متشکل است از:

- ۱ - اعضای شورای ملی
 - ۲ - روسای شورا‌های ولایات و ولسوالی‌ها
- ماده ۱۱۱: لویه جرگه در حالات ذیل دایر میگردد:
- ۱ - اتخاذ تصمیم در مورد مسایل مربوط به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و مصالح‌علیای کشور.
 - ۲ - تعدیل احکام قانون اساسی
 - ۳ - محاکمه رئیس‌جمهور مطابق به حکم مندرج ماده شصت و نهم این قانون اساسی.

نگاهی به پیشینه لویه جرگه‌ها در افغانستان:

با نظری گذرا به تاریخچه جرگه‌ها در افغانستان می‌توان دریافت که این جرگه‌ها در چه شرایطی برای انتخاب حکمرانها و یا هم مشوره با دولت‌های وقت و تصامیم سرنوشت‌ساز دیگر دایر شده است.

۱ - نخستین جرگه ملی در سال ۳۶۶ هجری قمری مطابق ۹۷۷ میلادی (۱۰۴۳ سال قبل) زمانی دایر گردید که اختلافات در داخل خانواده غزنویان، سلطنت را به خطر سقوط مواجه ساخته بود. این جرگه بعد از مباحثات طولانی ناصرالدین ابن سبکتگین را به حیث یک رهبر برگزید. وی در زمان رهبری خویش خدماتی را به این امپراطوری انجام داد که تا همین اکنون از او به نیکوئی یاد می‌شود.

۲ - جرگه دیگر ملی در سال ۱۰۸۸ هجری قمری مطابق ۱۷۰۹ میلادی (۳۱۱ سال قبل) به اشتراک بزرگان، خوانین، رهبران مذهبی در شهر قندهار دایر شد. این جرگه به حکمرانی شاه حسین صفوی در قندهار خاتمه داده و با اعلام یک حکومت مستقل ملی در آن شهر، میرویس خان هوتک را به حیث رهبر انتخاب نمود. این جرگه زمینه بر گذاری جرگه دیگری را در سال ۱۰۹۶ هجری قمری مطابق ۱۷۱۷ میلادی (۳۰۳ سال قبل) در شهر قندهار مساعد ساخت و یک جنبش ملی را در مقابل سلطۀ آنچه که امروز به نام ایران یاد می‌شود، تنظیم و تشکیل داد و دولت مستقلی را در هرات تأسیس نمود.

۳ - جرگه ملی ۱۱۲۶ هجری قمری مطابق ۱۷۴۷ میلادی (۲۷۳ سال قبل) بعد از مباحث طولانی احمد شاه ابدالی رهبر جبهه مقاومت در برابر اقتدار ایرانی‌ها را به حیث پادشاه افغانستان تعیین نمود.

۴ - جرگه سال ۱۲۵۷ هجری قمری مطابق ۱۸۴۱ میلادی (۱۷۹ سال قبل) در جریان جنگ اول افغان و انگلیس دایر شد. این جرگه مبارزات آزادی خواهانه مردم افغانستان را رهبری نموده و وزیر محمد اکبر خان، یک تن از رهبران معروف جبهه مقاومت علیه انگلیس‌ها را به حیث رهبر سیاسی و نظامی افغانستان برگزید.

۵ - در سال ۱۲۴۴ هجری قمری مطابق ۱۸۶۵ میلادی (۱۷۵ سال قبل) با بروز یک سلسله اختلافات در داخل سلطنت امیر شیرعلیخان، ضرورت احساس گردید که به مشورت و رأی مردم مراجعه شود. این جرگه با رفع اختلافات در خانواده سلطنتی، سلطنت امیر شیرعلیخان را استحکام بخشید.

۶ - اصطلاح لویه جرگه برای اولین بار در سال ۱۳۰۱ هجری خورشیدی مطابق ۱۹۲۲ میلادی (۹۸ سال قبل) در زمان سلطنت شاه امان الله خان به کار برده شد. درین جرگه نمایندگان مردم اولین قانون اساسی افغانستان را به نام «نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان» تصویب نمودند.

۷ - جرگه دیگری در سال ۱۳۰۳ هجری خورشیدی مطابق ۱۹۲۴ میلادی (۹۶ سال قبل) دایر گردید که بعضی از مواد این نظامنامه را تعدیل نمود و یک سلسله نظامنامه های دولتی را تصویب کرد .

۸ - لویه جرگه سال ۱۳۰۷ هجری خورشیدی مطابق ۱۹۲۸ میلادی (۹۲ سال قبل) شورای عالی دولتی را ملغی اعلام نمود و به عوض آن شورای ملی را به حیث اولین پارلمان انتخابی در افغانستان تأسیس کرد .

۹ - لویه جرگه ۱۳۰۹ هجری قمری مطابق ۱۹۳۰ میلادی (۹۰ سال قبل) بعد از حکومت نه ماهه حبیب الله کلکانی، به ابتکار محمد نادرشاه دایر گردید. این لویه جرگه قانون اساسی جدید و توأم با آن قانون انتخابات پارلمانی را برای ایجاد یک پارلمان جدید تصویب نمود. این لویه جرگه همچنان حدود صلاحیت های ارگان های دولتی را تعیین کرد.

۱۰ - لویه جرگه ۱۳۲۰ هجری خورشیدی مطابق ۱۹۴۱ میلادی (۷۹ سال قبل) به ابتکار محمد ظاهرشاه دایر شد و بر خلاف تشویق کشور های خارجی برای دخیل شدن افغانستان در جنگ دوم جهانی، بر بیطرفی افغانستان تأکید نمود .

۱۱ - در سال ۱۳۴۳ هجری خورشیدی مطابق ۱۹۶۴ میلادی (۵۶ سال قبل) لویه جرگه دیگری به ابتکار محمد ظاهر شاه دایر شد و قانون اساسی جدید افغانستان را تصویب کرد که سلطنت را از حکومت جدا نموده و شاهی مشروطه را پایه گذاری نمود .

۱۲ - پس از سقوط سلطنت و نظام شاهی مشروطه طی یک کودتا به رهبری محمد داود خان به تاریخ ۱۰ دلو ۱۳۵۵ هجری خورشیدی لویه جرگه ای مرکب از ۳۲۵ نفر، پس از ۱۵ روز بحث و استدلال به تاریخ ۲۵ دلو ۱۳۵۵ قانون اساسی جدید را در ۱۳ فصل و ۱۳۶ ماده تصویب کرد و شخص داود خان هم در همین جرگه به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد.

۱۳ - در لویه جرگه ۸ و ۹ قوس سال ۱۳۶۶، قانون اساسی جدیدی به تصویب رسید و داکتر نجیب الله به عنوان رئیس جمهور به تاریخ ۱۳۶۶/۹/۹ آن را توشیح کرد و «اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان» را ملغی ساخت. این قانون به تاریخ ۱۳۶۹/۳/۸ توسط لویه جرگه ای، مرکب از ۷۷۲ عضو، مجدداً مورد تعدیل و بازنگری قرار گرفت .

۱۴ - لویه جرگه قانون اساسی پس از سقوط نظام طالبی، مرکب از ۵۰۲ نفر، نمایندگان انتخابی و انتصابی از ۲۲ قوس الی ۱۴ جدی ۱۳۸۲ این قانون را در خیمه لویه جرگه مورد بحث قرار داده و به تصویب رسانید و در ۶ دلو ۱۳۸۲ توسط حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان توشیح شده و انفاذ آن اعلام شد .

بدین ترتیب دیده می شود که جرگه های ملی تا زمان شاه امان الله که آنرا لویه جرگه نام نهاد، تحت چه شرایط و اوضاعی دایر شده است. ولی نقش این جرگه ها بخشی از عنعنات و روش جامعه افغانی بوده و در شکل حیات سیاسی و تصامیم سرنوشت ساز به خصوص در آوانی که پارلمانها و نهاد های به نمایندگی از مردم افغانستان وجود نداشته، برانده و لازمی بوده و این جرگه ها نمادی از یک پروسه دموکراتیک ولی به شکل عنعنوی و ابتدائی آن بوده است .

اگر چه امروز در افغانستان قانون اساسی احکامی در رابطه با چگونگی تدویر لویه ها دارد که شرایط دایر نمودن و درخواست تشکیل لویه جرگه را برای اتخاذ تصامیم در باره مسایل مهم و سر نوشت ساز افغانستان مشخص میسازد، ولی نا گفته نگذیریم در حالی که امروز افغانستان قرار داده شده و طوریکه گفته شد در آستانه بحرانی قرار گرفته که عواقب وخیم دارد و سلامت این کشور را مورد سوال قرار می دهد، حتی برای مصلحت و سلامتی افغانستان هم باشد، می توان با در نظر داشت وخامت اوضاع و پیشگیری از وضعی که کشور را به انحطاط و بحران جبران نا پذیری بکشاند، بعضی از احکام قانون اساسی را اغماض نمود که این امر بی پیشینه نیست چنانچه بر رسی ها نشان می دهد که در حد اقل ده سال گذشته بیش از یکصد بار قانون اساسی افغانستان نقض گردیده که همین حکومت وحدت ملی که پنج سال و شش ماه قبل تشکیل شد و با حلف وفاداری دو رئیس جمهور در عین وقت، فاتحه آن هم خوانده شد، در کجای قانون اساسی پیشینی شده بود و یگانه دلیل تشکیل آن «مصلحت» بود نه قانون.

حالا هم تدویر یک لویه جرگه ای که در باره آینده سیاسی افغانستان، به خصوص درین مرحله حساس سیاسی که از یکطرف مذاکرات صلح با طالبان پیشروست و از جانب دیگر دو پارچگی دولت دست بالائی به طالبان در میز مذاکره می دهد و تضعیف دولت را در میز مذاکره به نمایش می گذارد، مصلحت بر این خواهد بود که قبل از نشستن به میز مذاکره، به بحران سیاسی موجود ناشی از اعلام دو رئیس جمهور در یک کشور، با تشکیل لویه جرگه و تحکیم اقتدار دولت از طرف چنین جرگه ای خاتمه داده و شد و سپس مذاکرات صلح با طالبان دایر گردد. دوستان افغانستان به خصوص ایالات متحده امریکا که موافقتنامه صلح با طالبان را امضا نموده و دران دایر شدن مذاکرات بین الافغانی بین طالبان و هیات افغانستان ده روز بعد از امضای آن موافقتنامه پیش بینی شده، اوضاع را درک خواهند کرد و با تفاهم با طالبان می توانند این مذاکرات را برای مدت محدودی تا ختم این بحران به تعویق اندازند. و یا با به تعویق انداختن چند روز مذاکرات صلح، زمینه ای هم آهنگی و تفاهم بین دو جناح،

داکتر اشرف غنی و داکتر عبدالله عبد الله، فر اهم ساخته شود تا هم فرصت دست یابی به صلح از دست نرود و هم نمایندگان دولت در مذاکرات بتوانند به نمایندگی از دولت واحد افغانستان با یک هیات واحد و به نمایندگی از از مجموع مردم افغانستان، با صلاحیت و حیثیت شایسته و لازمه یک دولت مقتدر به مذاکره به پردازند.

پایان

در پیشینه لویه جرگه ها، از کتاب «جرگه های بزرگ افغانستان» اثر جناب محمد علم فیض زاده استفاده شده است.